

قوانین کیفری

و

نگاهی بتاریخ

«وضع» و «اجرای» قوانین کیفری را بطور کلی در تمام ملت‌های قدیم و جدید میتوانیم مطالعه کنیم ، منتها نوع کیفیت آنها از نظر تناسب ، و عدم تناسب با ماهیت جرم ، و شدت و ملایمت در مجازات ، متفاوت بوده است :

بررسی در سیر قوانین کیفری این حقیقت را مبرهن میسازد که در طول تاریخ ، مجازات‌ها دارای تحولات گوناگونی بوده و رویهمرفته رو بتکامل و ترقی بوده است ، باین معنا که مجازات‌ها ابتدا بصورت شکنجه‌های غیر انسانی ، بموجب احکام سر بسته و صادره از طرف سلطان و یا حاکم مستبدی صورت میگرفت ، ولی بعدها بشکل قوانین مدونی در آمد و کیفرها به نسبت جرم طبقه بندی شد ، و از صورت انتقام‌های شخصی و طبقه‌ای به صورت حفظ امنیت اجتماع ، جلوگیری از فساد و فحشاء ، و صیانت آزادیهای انسانی توده‌ها تغییر شکل یافت (۱)

حال بایک بررسی کوتاه تاریخی ، بطور اجمال روش پاره‌ای از ملت‌ها را در این باره شرح میدهم :

(۱) اصل ششم و هفتم و هشتم اعلامیه حقوق بشر مقرر میدارد : «هیچکس نبایستی منعم یا محبوس شود مگر در مواردی که قانون تعیین کرده است و قانون هم مجازاتی معین نمی کند مگر در صورتیکه لازم باشد . بنابراین مجازات‌های سابق که بر حسب درجه و طبقه اشخاص تفاوت می - کرد نسخ گردید و دستگیری و حبس را که بدون تحقیق و ثبوت تقصیر صورت میگرفت لغو نمود و شکنجه‌ها و سیاست‌های بی فایده و ظالمانه را منسوخ کرد .»

(نقل از تاریخ عمومی آلبرماله « تاریخ قرن هیجدهم ، چاپ جدید ج ۲ صفحه ۴۷۰)

در روم باستان

« منسکیو » مینویسد : قانون ژولیانا برای « زنا » کیفر معین کرد اما عوض اینکه این قانون وقوانین بعد از آن موجب تهذیب اخلاق بشود باعث فساد اخلاق گردید ، صحبت از پاکیزه - کردن اخلاق زنان نبود بلکه منظور کیفر دادن بجرائم آنان بود و بس ، و در واقع قوانین برای کیفر دادن بنفس عمل جنایت وضع نمیشد ، بلکه باین جهت وضع میشد که نقض قوانین و نظامات را کرده بودند .

فسق و فجور مدتش رومیها ، امپراطورانرا مجبور کرد ، قوانینی تدوین کنند که تا اندازه ای از بی عفتی جلوگیری شود ، ولی منظور آنان صرف تهذیب اخلاق نبود و قضایای مثبتی که مورخین نقل کرده اند بهتر از قوانینی که وضع شده ثابت میکند که منظور آنان حفظ احترامات و یا انتقام خودشان بوده است .

از تالیفات « دیون » بخوبی رفتار « اگوست » را میتوان فهمید ، او اغلب تقاضاهای مجازات را بلا جواب میگذاشت ، احکام سختی که در زمان سلطنت « اگوست و تی بر » بر ضد بی عفتی بعضی از بانوان رومی داده شده در تواریخ دیده میشود ، ولی با در نظر گرفتن وضعیت این دو امپراطور جابر محقق است که این مجازاتها برای تصفیه اخلاق نبوده و روح این عملیات را بمای شناساند .

آنها مخصوصاً علاقمند بودند که فسق و فجور زنان خویشاوند خود را کیفر دهند . از اینرو معلوم میشود که مقصود آنها این نبود که فساد اخلاق را منع و مجازات کنند بلکه بکنوع جرمی را که خودشان اختراع کرده بودند و عبارت از بی احترامی و بی اعتنائی و توهین به سلطنت بود و در واقع برای انتقام خویش و یا حفظ شئون امپراطوری ، کیفر میدادند .

در واقع امپراطوران نمیخواستند بفهمند زنان متهم مستوجب مجازات هستند یا نه ، بلکه میخواستند بفهمند قانون مربوط بمجازات نقض شده است یا نه ؟ (۱)

در قوانین قدیم فرانسه

در قوانین قدیم فرانسه ، در مورد کیفرهای پولی ، اشخاص غیر اصیل را کمتر از اشخاص اصیل تنبیه میکردند ولی در جنایات قضیه بکلی برعکس بود و مجازات مردمان اصیل این بود که از زیور شرافت عاری شده ، حق ورود بدربار را نداشته باشند اما اشخاص غیر اصیل که شرافتی نداشتند ، مورد کیفرهای جسمانی واقع میگرددند ! (۲)

۲۰۱ روح القوانین تالیف منتسکیو : ترجمه علی اکبر مهتدی صفحات ۲۳۰ - ۱۹۹

در ژاپن

در این کشور تمام جنایات را با مرگ کیفر میدادند. و عدم اطاعت در برابر عظمت امپراطور خود یک جنایت عظیمی بود، زیرا در آنجا مقصود اصلاح مجرم نبود بلکه منظور از مجازات، انتقام امپراطور بود و بس!

اینها ناشی از افکار بردگی بود و از طرفی چون امپراطور خود را مالک تمام اموال میدانست، تقریباً تمام جرائم مستقیماً بر ضد منافع او واقع میشد (۱)

مجازات پدران بجای پسران در چین:

در چین پدران را بجای جرم و خطای پسران مجازات میکردند و فلسفه آنها هم این بود که پدران از قدرت پدری که طبیعت با آنها داده و قوانین هم این قدرت طبیعی را درباره آنان تقویت نموده، استفاده نکرده و فرزندان خود را تربیت ننموده اند (۲)

* * *

از نمونه‌های مزبور و بسیاری از مدارک و قرائن تاریخی چنین استنباط می‌کنیم که از بدو نخستین تشکیلات اجتماعی تا اواخر قرن هیجدهم عکس‌العمل جامعه در مقابل جرم بصورت انتقام‌های شخصی و سیاسی و مذهبی خود نمائی کرده و در این ادوار فرد یا جامعه از مجرم انتقام می‌گرفتند.

ولی در اوایل قرن نوزدهم با تشکیل مکتب کلاسیک Classique اصل « قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها » اعلام گردید، قبول این مکتب هر چند که تا اندازه‌ای جنبه وحشیانه و غیر مساوی بودن مجازات‌ها را از بین برد ولی همان اصولی که در ادوار گذشته راهنمای اولیای امور بود، بقدرت خود باقی ماند...

در ربع آخر قرن نوزدهم مکتب پوزیتیویست positiviste بوجود آمد پیروان این مکتب عقیده داشتند که « عکس‌العمل جامعه در برابر مجرم مانند عکس‌العمل بدن انسان در برابر میکروبها است، و این عکس‌العمل بر حسب طبقه مجرمین مختلف است. »
« پوزیتیویست‌ها » بودند که برای اولین بار در اروپا ضرورت اتخاذ تدابیر پیشگیری را گوشزد کردند.

این همان مطلبی است که حقوقدان شهیر فرانسوی « شارل دومنتسکیو » آنرا از امتیازات حکومت‌های معتدل شمرده و میگوید:

« در این قبیل دولتها قانونگذاران میکوشند جرائم را کمتر کیفر دهند، بلکه بیشتر سعی

(۱) روح القوانین تألیف منتسکیو: ترجمه علی اکبر مهتدی صفحه ۲۰۳

(۲) روح القوانین چاپ پنجم صفحه ۲۱۳

میکند ، از وقوع جرائم جلوگیری نمایند ، وبمردم اخلاق خوب تعلیم دهند ، نه اینکه بآنها شکنجه بدهند و بر سختی و شدت مجازات بیافزایند ، (۱)

وما آنرا از امتیازات بارز آئینی شمردیم که قبل ازمنتسکیو و بوجود آمدن مکتب پوزیتیو- یست در چهارده قرن قبل ظهور کرد و مسئله پیشگیری از جرم را هم خوب بیان و اعلام نمود و هم نمونه‌های عملی عالی ارائه داد .

اسلام با بر نامه‌های اخلاقی و تربیتی خود و بوجود آوردن مکتب اقتصادی واجتماعی ویژه خود در مرحله اول سعی نمود که گرسنگی از میان جامعه ریشه کن گردد ، و در چنین زمینه‌ای دزد مجازات میشد ، و در زمینه نهی مردم از تقلب و نادرستی ، متقلبین را مجازات میکرد و بالاخره قوانین جزائی اسلام در مورد مجازات خائنین ، و متجاوزین به مرزهای قانون ، در موقعیتی اجرا می گردد که نخست در بین ملت روح اعتماد و اطمینان و امانت ایجاد شود

(۱) روح القوانين صفحه ۱۹۷-۱۹۸

گله از دوستان و اخطار !

کراداً - با زبانهای مختلف - به جمعی از نمایندگان و دوستان گرامی که در پرداخت بدهی خود بدفتر «مجله» کوتاهی میکنند ، یادآور شده ایم که این تعلل و کوتاهی گذشته از اینکه برخلاف موازین اخلاقی است ، لطمه شدیدی بوضع این «مجله» میزند .

از آنجا که سهل انگاری در این قسمت ممکن است بقیامت «موجودیت» مجله تمام شود یادآور میشویم چنانچه باز هم این وضع ادامه یابد ناگزیر از اتخاذ تصمیمات دیگر و شدیدتری در مورد اینگونه افراد خواهیم بود .

ممکن است بعضی تصور کنند بدهی مختصر آنها تا اثری در وضع مجله ندارد در حالی که این اشتباه بزرگی است ، تمام سرمایه این مجله از همین رقمهای مختصر و ناچیز ترکیب میگردد .

امیدواریم این یادآوری کوتاه کافی باشد .

« دفتر مرکزی مجله مکتب اسلام »